

انتساب نقاشی‌ها و تصویرهای دوره شاه عباس اول مهرها و نوشته‌های انتسابی

محمد معمارزاده*

عضو هیئت علمی گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۱۱/۷)

چکیده:

یکی از درخشان‌ترین ادوار نقاشی ایرانی مربوط به عصر صفوی بوده و مکتب اصفهان آغازگر تحولاتی جدید در این عرصه به‌شمار می‌آید. تجزیه و تحلیل نقاشی این دوران نه فقط امکان شناسایی شیوه‌های هنری این عصر و تصویری از تکامل تدریجی نقاشی را فراهم می‌آورد، بلکه: با هر بار اندیشیدن و بازاندیشی در مورد آثار هنری این دوران، امکان شناسایی زوایای ناشناخته و پنهان این عرصه نیز فراهم می‌آید. این مقاله در مورد نگاره‌هایی که یک ویژگی منحصر به فرد دارند بحث می‌کند: تمام آنها دارای نقش مهرهای شاه عباس اول هستند. در بررسی این آثار، دستیابی به بهترین نتیجه از انتخاب نگاره‌هایی حاصل می‌شد که در محدوده یک مکتب و در زمانی مشابه خلق شده بودند. در این راستا آثار سه تن از برجسته‌ترین نقاشان این عصر به نام‌های محمدی، محمد قاسم و رضا عباسی مطالعه گردید. پس از بررسی مشخص شد که اگرچه حضور این مهرها می‌توانند به تاریخ خلق اثر اشاره داشته باشند، اما نمی‌توان در این مورد به نتیجه‌گیری قاطعی دست یافت. از این رو مطالعه انتساب‌های موجود بر حاشیه تصاویر نیز می‌توانست اطلاعات جدیدی در مورد هنرمندان مذکور ارائه دهد. از جمله اینکه: نیمه اول قرن هفدهم از نظر استاد متنوع و غنی بوده و دیگر با یک شخصیت محوری "رضا عباسی" تفسیر نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی:

مهر شاه عباس اول، نوشته‌های انتسابی، محمدی، محمد قاسم، رضا عباسی.

مقدمه

سیر تاریخی آثار هنری را برای حامی خود نشان دهد. مرقع‌ساز معمولاً برای توضیح آثار گردآوری شده و به منظور آگاهی هر چه بیشتر حامی هنر، دیباچه‌ای نیز بر مرقع می‌نوشت و در ابتدای آن قرار می‌داد (آژند، ۱۳۸۴، ۱۳). اما در مورد آثاری که امروزه به صورت ورق‌هایی مجزا در بین کلکسیون‌های مختلف دنیا پراکنده‌اند، نمی‌توان با اطمینان از سودمندی این شیوه سخن گفت. چرا که: هنر مرقع‌سازی در قرون شانزدهم و هفدهم چندان که باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته و چرخه‌های متوالی آثار موجود در آلبوم‌ها حفظ نشده یا موجود نمی‌باشند. در این راستا، مطالعه مجموعه آثاری که با یک مشخصه خاص تحت عنوان آثار مهمور به مهر شاه عباس مورد مطالعه قرار می‌گیرند می‌تواند راهگشا باشد.

محققان تاریخ نقاشی ایران در مطالعات خود همواره دو موضوع عمده را مورد توجه قرار می‌دهند، از جمله؛ شرحی که تاریخ‌نگاران در مورد آثار هنری به رشته تحریر در آورده‌اند که از عمده‌ترین‌شان می‌توان به کتاب‌هایی چون: "مجمع‌الخواص" صادقی بیک افشار، "احسن‌التواریخ" حسن روملو، "خلاصه‌التواریخ" قاضی احمد قمی، و "عالم‌آرای عباسی" اسکندر بیک منشی و... نام برد. و دیگر مطالعات سبک‌شناختی که به طور قابل ملاحظه‌ای با یک سبک هنری خاص تعریف شده و در آن تاریخ‌گذاری و پراکندگی مکانی چون متغیرهایی وابسته به هم این فرآیند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گاه نیز سخن از مرقعاتی به میان می‌آید که در آنها "گردآورنده مرقع می‌توانست به ترتیب تاریخی و با حفظ گاهشماری آثار هنری، آنها را در کنار هم قرار دهد و حتی تاریخ پختگی و پروردگی و

چگونگی بررسی مهرها و نوشته‌ها

نمونه‌های خوشنویسی که در قاب‌های تزئینی و حاشیه‌های مزین قرار گرفته‌اند و حاوی مهر شاه عباس اول می‌باشند که حکایت از تعلق آنها به کتابخانه این حاکم صفوی دارد.

وجود این مهر که به طور مشخص به حضور آنها در یک مقطع زمانی خاص اشاره دارد و اعتبار آن از نظر مطالعات سبک‌شناختی، موضوع دیگری است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

الف- مهرها:

نقش چهار مهر متفاوت را که منسوب به شاه عباس اول می‌باشد، می‌توان بر روی آثار مورد بحث مشاهده کرد.

الف- مهر چهارگوش به تاریخ (۹۹۵ ه.ق - ۱۵۸۶/۱۵۸۷ م) که سال به سلطنت رسیدن شاه عباس اول می‌باشد. (تصویر ۶)
ب- مهر چهارگوش دیگری که تنها تفاوتش با مهر قبلی یک بریدگی در گوشه فوقانی چپ و تاریخ (۹۹۶ ه.ق - ۱۵۸۷ م) می‌باشد. (تصاویر ۷ و ۱۶)

ج- یک مهر چهارگوش به تاریخ (۱۰۱۰ ه.ق - ۱۶۰۲/۱۶۰۱ م) (تصویر ۱۷) و یک مهر کوچک گرد. (تصویر

۱۸)

مدارک جمع‌آوری شده در این مجموعه مربوط به مکتب اصفهان است. از آنجا که اکثریت این آثار، بارها مورد بررسی قرار گرفته و به چاپ رسیده‌اند، تمرکز بر روی یک موضوع خاص، یعنی: مهرها و نوشته‌های انتسابی. کار را بر پژوهشگری که به مطالعه و بررسی تاریخ تحول نقاشی ایران پرداخته دشوار می‌سازد، در عین حال که انتخاب نگاره‌هایی از این دست و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند در شناخت شیوه‌های هنری و ویژگی کار استادان این عصر راهگشا باشد چرا که، "به سبب جابجایی مداوم هنرمندان از پایتختی به پایتخت دیگر تشخیص خاستگاه دقیق سبک‌های ایرانی همواره دشوار است" (بینیون، ۱۳۸۲، ۲۴۰). و از آنجا که به کرات تشابه مناسبی در فرآیند نقد و مطابقت نسخه‌های خطی وجود دارد، بعضی اوقات نیز ممکن است نذری از یادداشت‌های اسناد پرشماری به میان آید که بر حاشیه یا روی نقاشی‌ها حک می‌شدند و هرگز دلایل متعددی که برای نگارش آنها وجود داشته به طور کامل تشریح نشده و عموماً برای تعیین پذیرفتنی بودن نشان آنها را در قیاس با روش‌های بازنشاسی سبک و... مد نظر قرار داده‌اند.

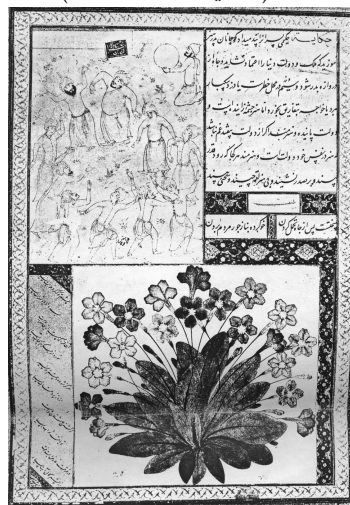
مشخصه تصاویر این گروه، ورق‌هایی هستند مرکب از

خاص را به خوبی نمایان می‌سازد، اما حضور این مهرها باعث شکل‌گیری تفسیری جدید در مورد زمان و محل وقوع آنها می‌گردد. و در مجموع این سئوال پیش می‌آید که: ورق‌های حاوی مهر چه چیزی را نشان می‌دهند؟

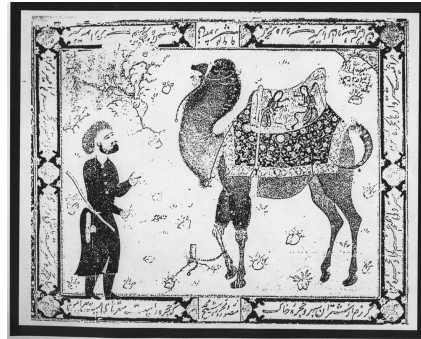
در این مجموعه بیست و دو نقاشی موجود است که روی ۱۸ ورقه به تصویر کشیده شده و تصویر مهر شاه عباس اول را بر روی آنها می‌توان دید، اما باید توجه داشت که اگرچه حضور این مهرها به تعیین زمان تقریبی این آثار کمک می‌کند، اما به تنهایی کافی نیست. چرا که، در برخی موارد زمان خلق اثر با تاریخ مهر منطبق نیست. به عنوان مثال: بازیل گری^۴ حدیقه الانس به تاریخ (۹۸۲ هـ.ق - ۱۵۷۳ م) را که در موزه هنرهای زیبای بوستون نگهداری می‌شود مربوط به دوران شاه طهماسب فقید می‌داند.^۵ در حالی که مهر شاه عباس اول را به خوبی می‌توان بر روی این اثر مشاهده کرد و با قضاوت از زمینه آن می‌توان برای آن تاریخ (۹۹۵ هـ.ق - ۱۵۸۶/۱۵۸۷ م) (تصویر ۶) را تعیین نمود. شایان ذکر است که، در آثار پژوهشگران متعدد حضور مهر عنوان شده ولی به روش‌های متفاوتی تفسیر گردیده است. مثلاً: ایوان سچوکین^۶، در توصیف نگاره "زنی با بادبزن" (تصویر ۱۰) با اشاره به تاریخ مهر اینگونه عنوان می‌کند که: "دقت داشته باشید سالی که این مهر به آن اشاره می‌کند، سال به سلطنت رسیدن شاه است و به پدید آمدن اثر ربطی ندارد و حتی می‌تواند پس از آن باشد. این اثر تعلق آن را به کتابخانه سلطنتی به تصویر می‌کشد و دیگر هیچ" (سچوکین، ۱۹۶۴، ۱۰۰). اما بسیاری دیگر، با قبول این امر که مهرهای موجود به طور غیرمستقیم به تاریخ خلق اثر اشاره دارد به نتایج متفاوتی رسیده‌اند، به عنوان مثال: آی تیل^۷ با استناد به تاریخ مهر در نگاره "زنی با بادبزن" و "صوفی‌های در حال رقص" (تصویر ۳) تاریخ روی مهر را معادل با تاریخی خلق اثر می‌داند چون، سبک تصویر نشان می‌دهد که این اثر در دهه (۱۵۷۰ م) در قزوین خلق شده است" (آی تیل، ۱۹۷۸، ۴۴).



تصویر ۴ - عشاق
موزه هنرهای زیبا، بوستون



تصویر ۳ - صوفی‌های در حال رقص
گالری هنر فریر



تصویر ۱ - شتر و شتربان
گالری هنر فریر، موسسه اسمیتسونین



تصویر ۲ - دوسوارکار
موزه فاگ آرت، کمبریج

روی تمام این مهرها یک نوشته مشابه وجود دارد: "بنده شاه ولایت (خادم حضرت علی) شاه عباس"، اگرچه این جمله در القاب سلطنتی شاهان صفوی به وفور استفاده می‌شد، ولی بدیهی است که شاه عباس اول غالباً آن را به کار می‌برده است. این فرمول که آنتونی ولس^۸ آن را امضای استاندارد شاه بزرگ می‌نامد بر روی سکه‌های و شمشیر طلای شاه عباس اول نیز حک گردیده و می‌توان آن را بر روی مهرها و فرمان‌های وی نیز مشاهده کرد.^۹

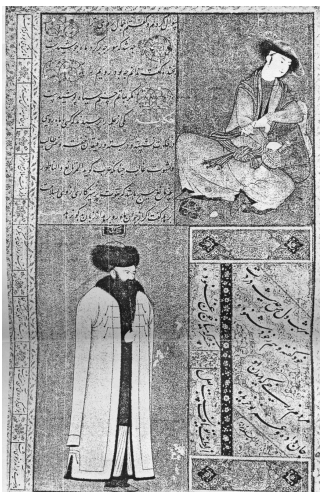
توجه به نکات زیر در مطالعه آثار مهمور شده ضروری است:

الف- مهر دارای تاریخ (۹۹۶ هـ.ق - ۱۵۸۷ م) (تصاویر ۷ و ۱۶) هنگامی که آتلیه سلطنتی بازسازی شده توسط شاه عباس اول در قزوین شروع به کار کرد، به عنوان جایگزین برای مهر قدیمی مورد استفاده قرار گرفت. چون مقارن با سال به سلطنت رسیدن این حاکم صفوی می‌باشد.

ب- مهر دارای تاریخ (۱۰۱۰ هـ.ق - ۱۶۰۱/۱۶۰۲ م) (تصویر ۱۷) برای آثار متأخرتر که عمدتاً مربوط به دربار اصفهان و گشایش آتلیه سلطنتی شاه عباس اول در این شهر می‌باشد به کار رفته است.

بررسی مهرهای موجود بر روی نگاره‌ها:

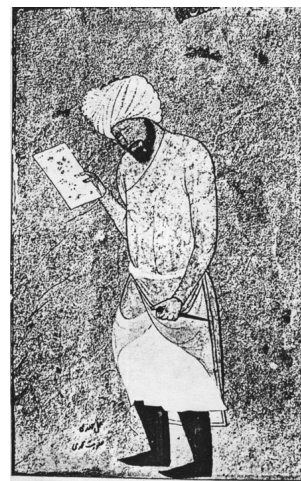
اگرچه انبوه مدارک جمع‌آوری شده توسط محققین امکان انتظام و تعیین دوره‌های متفاوت نقاشی و طبقه‌بندی آنها به مکتب‌های گوناگون را فراهم آورده است و تعیین خصوصیات ذکر شده در هر کدام از نگاره‌ها، امکان ایجاد آنها در مرکزی



تصاویر ۸ و ۷ - جوان لمیده روی یک بالش و پرتره یک سفیر روسی توپکایی استانبول



تصویر ۶ - صحنه شکار توپکایی استانبول



تصویر ۵ - پرتره یک هنرمند موزه هنرهای زیبا، بوستون

پوششی برای قلمرو از یک سبک هنری به نظر آید و به نظر می‌آید " (راکسبره، ۲۰۰۰، ۶۵). چاره‌ای نداریم جز آنکه به امضای شخص هنرمند و نوشته‌هایی متوسل شویم که در حاشیه تصاویر گنجانده شده‌اند. اما باید توجه داشته باشیم که، ملاحظه نام هنرمند نیز به عنوان امضاء ممکن است سخن سنجیده‌ای نباشد. علی‌الخصوص که بسیاری از آثار مورد بحث فاقد یک امضای مشخص می‌باشد.

ب- کتیبه‌ها:

اکثر آثار مورد بحث حاوی کتیبه‌هایی هستند که در بسیاری از موارد، می‌تواند در تعیین زمان و چگونگی خلق اثر راه‌گشا باشد. از بین این کتیبه‌ها فقط یکی از آنها را می‌توان به عنوان یک امضاء مسلم در نظر گرفت (تصویر ۶). در قسمت قبل گفتیم که، پرتره علی قلی خان که توسط محمدی خلق شده بود، دارای مهر تاریخ (۹۹۲ هـ.ق ۱۵۸۴ م) می‌باشد. تصویر ۶ با یک نوشته طولی در بخش فوقانی نگاره که هویت فرد به تصویر کشیده را مشخص کرده و عنوان می‌کند که پرتره توسط محمدی در هرات و در سال (۹۹۲ هـ.ق) نقاشی شده است. تاریخ این اثر به وضوح پس از مهر است و در اطراف آن نوشته شده علی قلی خان نقش مهمی در زندگی شاه عباس داشته و در هرات خادم او و یکی از افرادی بود که به او کمک کرد تا به سلطنت برسد. به گونه‌ای که در مورد اطلاعات نوشته شده در این کتیبه تردیدی وجود ندارد.

توضیحات نوشته شده نشان می‌دهد که نویسنده فرد شایسته و دانشمندی (شاید یک کتابدار شاه عباس اول) بوده است که اسامی معاصرین خود را خاطر نشان کرده و اینگونه به نظر می‌رسد که توضیح نقاشی "صحنه شکار" نیز که روی همان ورق کار گذاشته شده توسط فرد مزبور صورت گرفته و یادداشت "عمل استاد محمدی" نیز بدون شک یک امضا نیست، بلکه یک انتساب است که این امر به دلیل استفاده از کلمه "استاد" بارز است. این کلمه در نگاره‌هایی که خالق آنها بدون شک، شخص هنرمند ذکر شده می‌باشد، استفاده شده و آن را

آنتونی ولش نیز با بررسی اثر مهر روی تصویر "جوانی با کلاه زرین" (تصویر ۱۸) عنوان می‌کند که: "احتمال دارد این اثر عالی کمی پس از به سلطنت رسیدن شاه عباس اول در سال (۹۹۶ هـ.ق - ۱۵۸۷ م) در قزوین وارد کتابخانه سلطنتی شده باشد" (ولش، ۱۹۷۹، ۴۵۸).

در برخی موارد نیز حضور مهرها قضاوت در مورد نقاشی‌ها را دشوار می‌سازد و ما در پاسخ به این سؤال که: مهرهای موجود چه چیزی را نشان می‌دهند دچار مشکل می‌شویم. به عنوان مثال: احتمال دارد مهرهای روی نگاره‌ها، در تصاویر قبل از گنجانده شدن آنها در آلبوم‌ها زده شده باشند. یا اینکه، در برخی موارد حضور دو مهر روی هر قطعه، قضاوت در مورد آنها را مشکل می‌سازد. (تصاویر ۱۲ و ۱۴) در چندین ورق نیز، نقش‌ها به هنگام کار گذاشته شدن روی نقاشی‌ها خدشه دار شده‌اند. (تصاویر ۶، ۷ و ۹) در برخی موارد نیز روی یک نگاره دو مهر متفاوت دیده می‌شود. (تصاویر ۱۲ و ۱۴) علاوه بر آن، شیوه جایگزین شدن یک مهر با مهر دیگر در کتابخانه سلطنتی معلوم نیست.

در بررسی‌های موجود مشخص شد که مهر دارای تاریخ (۹۹۵ هـ.ق - ۱۵۸۶/۱۵۸۷ م) (تصویر ۶) روی آثار قدیمی‌تر مشاهده می‌شود. این مهر را می‌توان بر روی نگاره خلق شده توسط "شیخ محمد"^۸ به تاریخ (۹۶۴ هـ.ق - ۱۵۵۵/۱۵۵۶ م) که یک اثر نقاشی شده سی سال قبل از ساخته شدن مهر است، (تصویر ۱) مشاهده کرد. همین مهر را می‌توان بر روی نگاره پرتره "علی قلی خان" که توسط محمدی در تاریخ (۹۹۲ هـ.ق - ۱۵۸۴ م) (تصویر ۶) نقاشی شده نیز دید. مهر دارای تاریخ (۹۹۶ هـ.ق - ۱۵۸۷ م) نیز روی آثاری که به رضا عباسی منسوب شده‌اند قابل مشاهده است.

این موضوع هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که بحث حضور یک سبک هنری خاص نیز به میان آید. چرا که، تاریخ گذاری و پراکندگی مکانی چون متغیرهایی وابسته به هم، این فرآیند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، و از آنجا که "خصوصیاتی که ویژه استاد هنرمند پنداشته می‌شود ممکن است، در اثر همچون

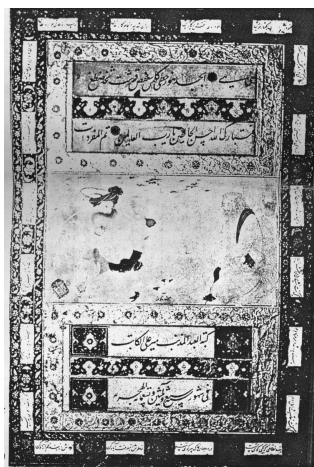
هنرمندانی چون رضا عباسی ادامه یافت.

در این مقاله تعدادی از آثار این هنرمند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آن جمله: تصویرهای "صحنه شکار" و "صوفی‌های در حال رقص" (تصاویر ۶ و ۳) که انتساب آنها به محمدی با توجه به شیوه تصویرگری او، توسط اکثر محققین مورد تأیید قرار گرفته ولی هیچ توافقی در مورد نگاره‌های "عشاق" و "پرتره یک هنرمند" (تصاویر ۵ و ۴) وجود ندارد.

سچوکین انتساب تصویر عشاق به محمدی را رد می‌کند و می‌نویسد: "عشاق مملو از جذابیت و لطافت جوانی است. سبک نگاره مشابه به سبک محمدی نیست، ولی نقاشی‌های شیرازی حدود سال ۱۵۷۰ است" (سچوکین، ۱۹۵۹، ۱۱۶).

اما مؤلفین دیگر از قبیل رابینسون و بازیل گری، انتساب این آثار به محمدی را قبول کرده‌اند.^۹

آثار زیادی با نوشته‌های انتسابی به محمدی وجود دارد. در بین این آثار، یک تصویر رنگی خیلی معروف به نام "صحنه چراگاه" (موزه گیمه^{۱۰} پاریس) وجود دارد که در گوشه راست پائین آن نوشته‌ای بدین شرح موجود می‌باشد: "قلم فقیرالداعی محمدی مصور فی شهر سنه (۹۸۶هـ.ق)" (قلم محمدی، نقاش فقیر حاجتمند در ماه‌های سال ۹۸۶هـ.ق - ۱۵۷۸/۷۹ م) این تصویر تا همین اواخر تنها اثر شناخته شده محمدی دارای تاریخ بود، ولی پس از انتشار پرتره "علی قلی خان" توسط آنتونی ولش که در سال (۱۵۸۴ م) نقاشی شده بود، این اثر نیز جزء این آثار قرار گرفت (ولش، ۱۹۷۹، ۴۶۹). این ورق که حاوی دو اثر از محمدی است، با مهر شاه و با انتساب‌های کاملاً معتبر تأیید شده و مشکل‌گشای تشخیص نقاشی‌های متفاوتی گردید که به وسیله گواش و جوهر توسط محمدی خلق شده بود. در اینجا ما روی یک ورق دو اثر خلق شده با دو تکنیک کاملاً متفاوت را مشاهده می‌کنیم.



تصویر ۱۱- جوان و پیرمرد
گالری آرتور م. ساکسر، موسسه
اسمیتسونیان



تصویر ۱۰- زنی با یک بادبزن گالری
هنری فریر



تصویر ۹- جوانی با عبای آبی
موزه آرتور م. ساکسر، دانشگاه
هاروارد، کمبریج

به‌عنوان امضای شخص هنرمند محسوب می‌کنند. که معمولاً در منابع تاریخی نیز به همین صورت اضافه می‌شود.

همان دست خط را در انتساب‌های دو اثر دیگر، یعنی: "صوفی‌های در حال رقص" و "نگاره عشاق" (تصاویر ۴ و ۳) مشاهده می‌کنیم که خالق این آثار را محمدی معرفی می‌کند. علاوه بر این همان دست نوشته‌ها را در نوشته‌های انتسابی ذکر کننده استاد مراد، بر روی نگاره "گل‌های پامچال" کار گذاشته شده روی یک ورق در کنار "صوفی‌های در حال رقص" (تصویر ۳) و ذکر کننده "محمد قاسم" روی دو نگاره نشان دهنده جوان‌های ایستاده (تصویر ۱۴) تشخیص می‌دهیم.

اکنون اجازه دهید بررسی کنیم که این نوشته‌های انتسابی چگونه مورد قبول محققین قرار گرفته‌اند، و برای رسیدن به نتیجه مطلوب‌تر، چگونه می‌توان از شکاف میان مهرها، متون و تصاویر گذر کرد؟ چرا که یکی از مهم‌ترین مشکلات در ذکر تاریخ‌ها و اسامی هنرمندان مورد بحث، هنگامی پیش می‌آید که مدارک موجود را بر اساس شیوه خاص هر هنرمند بررسی کنیم.

بررسی نقاشی‌های موجود

الف- محمدی:

وی که از شخصیت‌های استثنایی در تاریخ نقاشی ایران به‌شمار می‌رود، مشاهده عینی و ثبت حالات و حرکات واقعی و موضوع‌های مربوط به کار و زندگی آدم‌های عادی را اساس کار خود نهاد. اشخاص نگاره‌های او "به گونه‌ای زنده در حین انجام عملی خاص و معین و با حرکتی مؤثر" ارتباطی هماهنگ با طبیعت پیرامون یافته‌اند که آن نیز تأثیربخش و پرتحرک تصویر شده است" (اشرفی، ۱۳۸۴، ۱۳۲). نوآوری او را زمینه‌ای برای شکل‌گیری مکتب اصفهان دانسته‌اند و شیوه کار او توسط



تصویر ۱۴- یک زن ایستاده
گالری آرتور م. ساکس، موسسه
اسمیتسونین



تصویر ۱۳- پرتره یک خوشنویس
کتابخانه انگلستان، لندن



تصویر ۱۲- شکارچی بر پشت اسب موزه
ویکتوریا و آلبرت لندن

شولتس^{۱۱}، تاریخ این تصویر را (۱۰۱۴ ه.ق - ۱۶۰۵ م) می‌داند. اما سچوکین با نظر او موافق نیست. از نظر او تاریخ صحیح (۱۱۰۴ ه.ق - ۱۶۹۲/۳ م) می‌باشد. م.ل. سوتیوچوفسکی^{۱۲} و س. بابائی که این تصویر را در سال ۱۹۸۹ منتشر کردند، می‌نویسد که، سبک محمد قاسم در آن زمان از سبک خلاق رضا عباسی گرفته شده و در مورد تاریخ اینگونه ذکر کرده‌اند: "چنانچه عدد دیگری اضافه نشود معادل (۳-۱۶۹۲ م) او آخر عمر کاری این هنرمند" (سوتیوچوفسکی، بابائی، ۱۹۸۹، ۴۶۶) و مبنای آنها در این تاریخ گذاری نگاره موزه لوور می‌باشد که نشان می‌دهد شاه پیشخدمت جوانی را که به او شراب می‌داده را بغل کرده است و کلمات نوشته شده روی نگاره با این اطلاعات پایان می‌یابند که، این اثر در تاریخ جمعه ۲۴ جمادی‌الثانی (۱۳۰۶ ه.ق - ۱۰ فوریه ۱۶۲۷ م) توسط محمد قاسم بیچاره خلق شده است.^{۱۳}

محمد قاسم که این نقاشی را کشیده به احتمال زیاد یک نقاش دربار شاه عباس می‌باشد که، به شاه نزدیک و از لطف او بهره‌مند بوده است. اما با توجه به اختلاف نظرهای موجود در مورد تعیین تاریخ صحیح نگاره بسیاری از محققان به مطالعات سبک شناختی متوسل شدند. برخی از آنها با مطالعه ویژگی‌های نقاشی به این نتیجه رسیدند که این نقاش همان محمد قاسم است، یکی از مشخصات آثار محمد قاسم که نقش و نگار دلخواه این هنرمند بود، درخت پهن چهارگوش است که بخش فوقانی نگاره را اشغال می‌کند و به صورت مایل قرار گرفته و تقریباً در تمام آثار شناخته شده او موجود است. این نقش و نگار در صحنه فوق‌الذکر تنبیه یک شاگرد هم وجود دارد. همینطور می‌توان عنوان کرد که، این اثر مشخصه نقاشی‌ها و تصویرهای ایرانی آخر قرن هفدهم نیست. چرا که، نقاشی ایرانی در این زمان یک سبک اروپایی شده و این خود به نوعی روند سبک شناختی رایج در مکتب اصفهان تبدیل شده بود.

آنتونی ولش توضیح می‌دهد که محمدی ارتباطی قوی با یک سبک نقاشی غنایی داشته که در ایران و در اواخر قرن شانزدهم شکوفا شده و اضافه می‌کند که، اگر تمام این تصویرها را آثار او بدانیم، تعریف این سبک و نقش هنرمند در نقاشی قرن شانزدهم آسان خواهد شد. او با مقایسه نگاره "عشاق" و پرتره "علی قلی خان" به این نتیجه می‌رسد که خالق هر دو اثر شخص واحدی بوده است.

ب- محمد قاسم

وی که از نقاشان برجسته مکتب اصفهان می‌باشد "همچون رضا عباسی از سبک محمدی هروی مایه گرفت" (پاکباز، ۱۳۸۲، ۵۲۲). به علت تشابه سبک میان هنرمندان این عصر ضروری است، برای مشخص کردن تاریخ دقیق اجرای این آثار نگاهی به کتیبه‌ها و شواهد موجود بیاندازیم.

همان فردی که بر روی تصاویر محمدی نوشته‌های انتسابی را قید کرده بود، بر روی نگاره‌های (تصاویر ۱۴ و ۱۲) گروه مورد نظر، این آثار را به محمد قاسم منسوب می‌کند. هر دو نگاره دارای مهر تاریخ (۹۹۶ ه.ق - ۱۵۸۷/۸۸ م) می‌باشند.

جامع‌ترین مطالعاتی که در مورد آثار این هنرمند صورت گرفته، در کتاب "سچوکین" آمده است. وی در مورد آثار محمد قاسم اینگونه می‌نویسد: "نقاشی‌ها و ترسیمات محمد قاسم که به دلیل زیبایی هنری خود متمایز می‌باشند متعلق به پنجمین یا آخرین دهه قرن هفدهم می‌باشند در حقیقت او دنباله دو روش و اصول عمومی به کار رفته در نقاشی‌های رضا عباسی می‌باشد" (سچوکین، ۱۹۵۹، ۵۳). از آثار امضاء شده محمد قاسم که در آن زمان شناخته شده‌اند فقط یک اثر دارای تاریخ است که حتی این تاریخ نیز به صورت مختصر نوشته شده این اثر، تنبیه یک شاگرد، از موزه هنر پایتخت می‌باشد که با عبارت رقمی "خاکسار محمد قاسم سنه ۱۱۴" امضاء شده است.

ج- رضا:

شش اثر از گروه مورد نظر دارای نوشته‌های کوتاهی هستند که آنها را به رضا نسبت می‌دهند. (تصاویر ۱۲ و ۱۸ و ۱۰ و ۹ و ۱۳) آنها آثار مشهور استاد نامداری هستند که عمر کاری‌اش را دقیقاً مقارن سلطنت شاه عباس اول است. وی که در نخستین آثارش تحت تأثیر شیخ محمد بود به زودی "شیوه‌ای نو و بسیار پویاتر از سبک قزوین پدید آورد که در سالهای بعد سیمای نقاشی ایران را دگرگون ساخت" (پاکباز، ۱۳۸۰، ۱۲۰). قدیمی‌ترین اثر شناخته شده از این هنرمند، "دختری با کلاه خز" در کلکسیون درمیتاژ می‌باشد که با عبارت رقمی "کمینه رضایی عباس" (۱۰۱۱ ه.ق - ۱۶۰۲/۳ م) امضاء شده است. این رقم با افزودن "عباسی" به نام تقریباً در تمام آثار بعدی او معمولاً به همراه تاریخ‌های خیلی مشروح و دقیق وجود دارند. ولی در میان این آثار فقط تصویر "شکارچی" شامل افزودن این لقب می‌باشد. (تصویر ۱۲) دارای نوشته "مشقم رضا" (تصاویر ۱۰ و ۹) با عبارت "مشقه آقارضا" مشخص گردیده‌اند. این دو رقم امضاهای نقاش هستند. که توسط او قبل از دریافت لقب عباسی استفاده شده است. شایان ذکر است که هیچ تاریخی روی آثار این یادداشت‌ها وجود ندارد، که "چنانچه تاریخ‌های موجود در طرح‌های او ج دوره هنری رضا عباسی در دست باشند، اطلاعات بسیار فراوانی بر ما آشکار می‌شود" (بینیون، ۱۳۸۳، ۲۸۵).

در نوشته‌هایی نظیر "مشقه آقارضا" محققین با این مشکل مواجه هستند که آیا "آقا" جزئی از نام آنهاست و یا اینکه در مقام خطاب عنوان شده نوشته روی نگاره "جوانی با عبای آبی" (تصویر ۹) "مشقه کمترین آقارضا" ممکن است یک پاسخ قطعی برای این سؤال ارائه کند. چون نقاش فقط می‌توانست "کمترین" را در مورد خود استفاده کند. قاضی احمد به صورت مکتوب در سال (۱۵۹۶/۷ م) و بعداً اسکندر منشی این نقاش



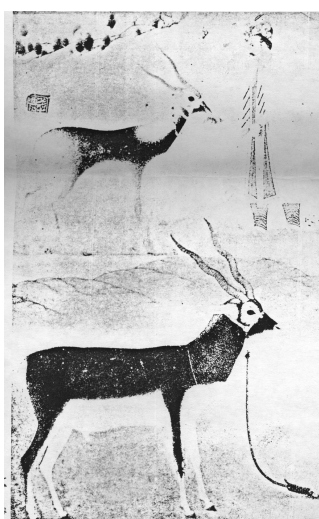
تصویر ۱۸- جوانی با کلاه زرین
موزه اسرائیل، اورشلیم



تصویر ۱۷- جوان بازنشسته با یک تفنگ
زارتوریسکی، کراکو



تصویر ۱۶- یک مقام
عالی رتبه مذهبی



تصویر ۱۵- یک هندی نیازمند آمو
کتابخانه کاخ گلستان تهران، مرقع گلشن

از طرف دیگر اگر با نظر شولتس موافق باشیم که تاریخ این اثر را (۱۰۱۴ ه.ق - ۱۶۰۵ م) می‌داند، این اثر در تم سنتی رضا عباسی و پیروان او نیز قرار نمی‌گیرد. اما با قبول این امر که دوره فعالیت محمد قاسم نیمه اول قرن هفدهم بوده و نه نیمه دوم این قرن تمام تناقضات موجود از میان می‌رود و به این ترتیب دیگر او یک نقاش پیرو رضا عباسی (که در سال ۱۶۳۵ م فوت کرده است) نخواهد بود. بلکه، معاصر او (احتمالاً کمی جوانتر) خواهد بود. یعنی، نقاشی که در زمان مشابهی با سبک مشابهی کار می‌کرده و روش کاملاً متفاوتی داشته است.

نگاره جوان ایستاده (تصویر ۱۴) یکی از قدیمی‌ترین آثار شناخته شده محمد قاسم می‌باشد. این اثر به سبک مشخصه پایان قرن هفدهم خلق شده و می‌توان آن را با بسیاری از آثار رضا که به دهه آخر قرن شانزدهم منسوب است مقایسه نمود. نگاره "جوانی با پالتوی خز" (تصویر ۱۲) خیلی مشابه "جوانی با یک مشربه" از کلکسیون درمیتاژ یکی از شاهکارهای رضا است که میزان بیشتری از روش شخص محمد قاسم را نشان می‌دهد. علاقه او به لباس فاخر چندلایه و به دقت اندود شده برای پرسوناژهای خود یک مشخصه خاص است که می‌تواند در آثار او دنبال شود و همینطور درخت مورد علاقه او که به صورت مورب از پس زمینه می‌گذرد.

ویژگی‌های مشابهی در نگاره او به نام دختری در حال قلیان کشیدن (تصویر ۲) (در موزه توپکاپی) که با عبارت رقمی "کمینه خاکسار محمد قاسم" احتمالاً در پایان قرن شانزدهم یا آغاز قرن هفدهم امضاء شده است و در کار بعدی او با نام "زن جوانی با لباس اروپائی" (موزه ویکتوریا و آلبرت^{۱۴}) که با عبارت رقمی "کمترین محمد قاسم مصور" امضاء شده است، مشهود می‌باشد.

نیست. همینطور پرتره‌های سفرای روسی که ارنست گروبه^{۱۶} و الینور سیمز^{۱۷} قدمت آنها را (۱۶۵۰-۱۶۲۵ م) تخمین زده‌اند. (گروبه و سیمز، ۱۹۸۹، ص ۲۱۲) بازیل رابینسون معتقد است که خالقین این پرتره‌ها باید در نقاش اصلی درباره شاه عباس اول یعنی صادقی^{۱۸} و رضا باشند.

لباس‌های افراد خیلی مشابه هستند، قفطان با آستر خز و کلاه‌های خز، ولی یکی از آنها ریش تیره و دیگری ریش روشن داشته و هر دو پرتره به مهر دارای تاریخ (۹۹۶ ه.ق - ۱۵۸۷ م) مهور می‌باشند، که طبق بررسی‌های قبلی زودتر از (۱۰۱۰ ه.ق) خلق نشده‌اند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که فقط دو سفیر روسی درباره شاه عباس اول با این بحث مرتبط هستند "گریگوری بورسیوویچ واسیلیچیکوف"^{۱۹} رئیس سفارت در سال‌های (۸۹-۱۵۸۸ م) و "آندره دیمتریویچ زوینگو رودسکی"^{۲۰} رئیس سفارت بین سال‌های (۹۵-۱۵۹۴ م).

را "آقا رضا" نامیده‌اند. می‌توان عنوان کرد که اگر "آقا" جزئی از نام او بوده باشد، آنها استاد یا کلمه مشابهی را اضافه می‌کردند و احتمالاً نوشته‌هایی که حکم "آقا" در آنها استفاده شده انتساب‌های کتبی آثار رضا به هنگام تبدیل شدن او به یک هنرمند نام‌آور باشند که مقارن با پایان قرن شانزدهم است.

پنج اثر مهور رضا که در آخر قرن شانزدهم خلق شده‌اند، (دو نگاره گواش، یک تصویر با جوهر رنگی، تصویر دیگری با خط طلائی و رنگ شده با گواش روشن و یک تصویر روی کاغذ رنگی) دامنه گسترده‌ای از قابلیت‌های استاد را نشان می‌دهند که توسط قاضی احمد، با مانی و بهزاد مقایسه می‌شود.

نگاره "جوانی با یک تفنگ" تنها اثری در گروه است که به تاریخ (۱۰۱۰ ه.ق - ۱۶۰۱/۲ م) مهر شده و توسط اس. کومورنیک^{۱۵} به اوایل قرن هفدهم نسبت داده شده است. در این مورد تنها می‌توان گفت که نقش و نگارهای مردی با تفنگ در نقاشی پارسی معمول

نتیجه‌گیری

عباسی تفسیر نمی‌شود، بلکه ثابت می‌شود که این دوره از نظر استاد، متغیر بوده است.

۳- در بررسی نگاره‌های محمدی و نقاشی‌های جوهری منتسب به وی با در نظر گرفتن شیوه متفاوت اجراء مشخص می‌شود که هر دو نوع تصاویر مزبور با استناد به مهرها و نوشته‌ها توسط شخص واحدی که همان (محمدی) می‌باشد به اجرا درآمده‌اند.

۴- بررسی کل نقاشی‌ها و تصاویر حاوی مهر شاه عباس اول به بررسی انتساب‌ها و تاریخگذاری برخی از این آثار کمک شایان توجهی می‌کند مدارک ارائه شده در این قسمت نشان می‌دهد که از میان هنرمندان مزبور بدون شک رضا عباسی نامدارترین آنها بوده است و هنرمندان دیگری نیز که آثارشان مورد بررسی قرار گرفت در زمره برجسته‌ترین نقاشان قرار دارند.

۱- بدون تردید روش آنالیز سبک شناختی که در مطالعه نقاشی‌های فارسی رایج است اهمیت شایانی دارد ولی برای تأیید نتایج حاصل از این امر می‌توان به جستجوی معیارهای عینی‌تری برآمد که مهرها و انواع نوشته‌های روی این تصاویر می‌توانند در رسیدن به نتیجه مطلوب راهگشا باشند با در نظر گرفتن این امر که مهرها به طور غیرمستقیم به تاریخ خلق اثر اشاره دارد.

۲- در بررسی آثار محمد قاسم و مهرها و نوشته‌های موجود بر روی آثار او مشخص می‌گردد که این نقاش یک شاگرد و پیرو رضا عباسی (که در سال ۱۶۳۵ فوت کرده است) نبوده بلکه یک نقاش معاصر او خواهد بود یعنی نقاشی که در زمان مشابهی با سبک مشابهی کار می‌کرده ولی روش کاملاً متفاوتی داشته است. و در این صورت عمر هنری نیم قرن اول قرن هفدهم در اصفهان، دیگر در رابطه با یک شخصیت رضا

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به:
H.L. Rabino, Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran, 1500-1941, Hertfold, 1945.
- ۲ Antoni, Welch
- ۳ برای توضیحات بیشتر، رک:
A. Welch, Shah Abbas and the Arts of Isfahan, Cambridge, Mass, 1974, p. 144
- ۴ Basil. Gray
- ۵ برای اطلاعات بیشتر، رک:
B. Gray, persian painting, Geneva, 1967, p. 156
- ۶ Ivan. Stchoukine
- ۷ E. Atil
- ۸ شیخ محمد، نگارگر، رسام و خوشنویس ایرانی، فعال در نیمه دوم سده ۱۶، برای اطلاعات بیشتر، رک: پاکباز، روئین، دایره‌المعارف هنر، ص ۳۳۶.
- ۹ برای اطلاعات بیشتر، رک:
Robinson. BW. Persian Drawing from the 14th, through the 19th Century, New York, 1967, p. 49. p 136
- ۱۰ Musee-Guimet-Paris
- ۱۱ Schulz
- ۱۲ M. L. Swietochowski
- ۱۳ Islam dans les Collections nationales, paris, 1977, No. 249
- ۱۴ Victoria and Albert
- ۱۵ S. Komorniki
- ۱۶ Ernst. Grube
- ۱۷ Eleanor. Sims
- ۱۸ نگارگر و رسام ایرانی، فعال در نیمه دوم قرن شانزدهم، رک: پاکباز، روئین، دایره‌المعارف هنر.
- ۱۹ Grigorii. Borisich vasilchicov
- ۲۰ Andrei. Dmitrietch Zvenigorodsky

فهرست منابع:

- آژند، یعقوب (۱۳۸۴)، سیمای سلطان محمد نقاش، تهران، فرهنگستان هنر.
- اشرفی، م.م. بهار (۱۳۸۴)، سیر تحول نقاشی ایرانی، سده ۱۶م، مترجم زهره فیضی، تهران، فرهنگستان هنر، بهار ۱۳۸۴.
- بینیون، لورنس و... (۱۳۸۳)، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، چاپ سوم، تهران، چاپخانه سپهر.
- پاکباز، روئین (۱۳۸۰)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، زرین و سیمین، چاپ دوم.
- پاکباز، روئین (۱۳۸۳)، دایره‌المعارف هنر، چاپ چهارم، تهران، فرهنگ معاصر.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۸۲)، مجموعه یادنامه کمال‌الدین بهزاد، تهران، فرهنگستان هنر.
- راکسبره، دیوید. جی (۲۰۰۰)، کمال‌الدین بهزاد و مسئله پدیدآوردگی اثر هنری در نقاشی ایرانی، سالنامه مقرنس، شماره ۱۷، صص ۴۶ تا ۱۱۹.

Atil. E(1978), The Brush of the Masters: Drawing from Iran and India, Washington. D.C.

Gray,B. (1967), Persian painting, Geneva.

Grube and Eleanor Sims(1989), The Arts of Persian, Rw. New Haven and London.

H. L. Rabino, Coins(1945), Medals and Seals of the Shah of Iran, 1500-1941 d.c , Hertfold.

Islam dans les Collections nationales(1977), Paris.

M.L. Swietochowski and S. Babaie(1989), Persian Drawing in the Metropolitan Museum of Art, New York.

Robinson. BW(1967), Persian Drawing from the 14th, through the 19th Century, New York.

Stchou, Kine(1959), Les Peintures manuscrits Safavi de 1502-1587 , Paris.

Stchou, kine(1964), Les peintures des manuscrits de shah Abbas, Paris.

Welch,A. (1974), Shah Abbas and the Arts of Isfahan, Combridge, Mass.

Welch,A. (1974), Painting and Patronage under Shah Abbas, Iranian studies, Summer-Autumn.